



خبرنامه ۳۵ - اردیبهشت ۱۳۸۸





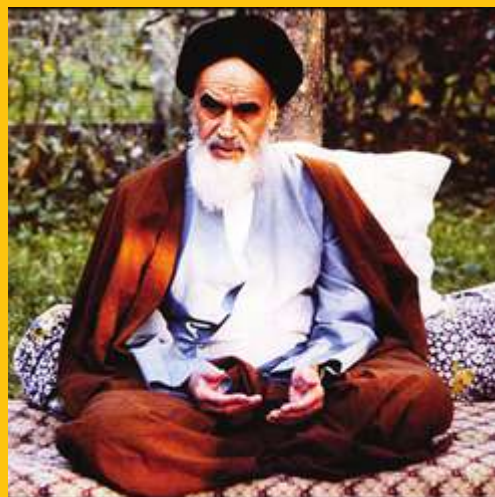
از آنان نباش که بدون عمل، امید به آخرت دارند و به
آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر میاندازند. سخنش
درباره دنیاسخن زاهدان و عملش عمل راغبان است.
امیر المؤمنین (علیه السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

... دانشجویهای عزیز، متخصصین، مهندسین، بازاریان، کشاورز، همه قشرهای ملت داوطلب برای این است که ایرانی که بطور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند.

از این جهت، باید ما بگوئیم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این را به جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است، بسازند

... ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند.



آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می شود و خود را فراموش می کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. من که به جبهه می رفتم، کارهای عظیمی را که در این زمینه شده بود، از نزدیک مشاهده می کردم. هیچ کس هم خبر نمی شد! هیچ هیچانی هم در آن محیط حاکم نبود! کسی باید ایمان داشته باشد تا بتواند این کارها را انجام دهد. برادرهای جهاد، این کار را کردند.



خبرنامه کانون سئنگر سازان بی سئنگر

تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ - شماره ۳۵

سر دبیر: علی سراج

طراح صفحه: سجادی

لیتو گرافی، چاپ و صحافی: دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی نشر آموزش کشاورزی

نشانی: بلوار کشاورز، خیابان شهید دائمی، نبش کوچه شهید طباطبایی رفیعی، پلاک ۴۹ جدید

کد پستی: ۱۴۱۵۶۴۳۸۶۳

تلفکس: ۸۸۹۶۱۳۷۷، ۸۸۹۶۱۳۹۹، ۸۸۹۹۳۹۸۸

پست الکترونیکی کانون: KANOON.S.S.B.S@GMAIL.COM

کانون سنگرسازان بی سنگر سیاسی نیست

«جهاد سازندگی» بخاطر خدمات و سازمان موثر و کار آمد و مردمی آن، در بین همه مردم و بخصوص روستائیان و مسلمانان خوش قلب و فهمیده که علاقه مند به آبادی و عمران کشور بودند، محبوبیت زیادی پیدا کرد، تا آنجا که امام خمینی (ره) فرمودند «جهادگران بزرگترین آبرو را به این انقلاب دادند». با وجود لطمه‌هایی که به جهاد وارد و به قولی جوانمرگ شد، ولی در خاطر مسن‌ترها این گرایش مثبت به جهاد سازندگی هنوز باقی است، شک نیست که دلاوران بی ادعای مهندسی جنگ جهاد که امام (ره) لقب سنگرسازان بی سنگر را به آنها عنایت فرمودند، در قله این آبرو و افتخار ایستاده‌اند.

یکی از لطمه‌هایی که در طول زندگی کوتاه جهاد سازندگی به آن وارد شده، این بود که همواره عده‌ای از مسئولین رده بالای جهاد از آبرویی که «جهاد» و یا «جهادگران» در بین مردم داشته‌اند، به نفع اهداف غیر جهادی (برخی شخصی و برخی گروهی) استفاده کرده‌اند. در سالهای قبل هر روز علمی از جایی بلند می شد که مثلاً سنگرسازان بی سنگر (بدون نام) از فلان وکیل یا کاندیدا حمایت می کنند. لذا کل نام سنگر سازان بی سنگر را بنفع خود یا کاندید مورد نظر خود مصادره می کردند. تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۸۳ کانون سنگر سازان بی سنگر در سطح ملی بصورت یک سازمان مردم نهاد متشکل از کل ایثارگران جهاد بوجود آمده و ثبت رسمی شد.

قبل از تأسیس کانون در بین ۴۹ نفر نمایندگان تمامی پیش‌کسوتان و مسئولین زنده مانده پ.م.ج. که برای تدوین اساسنامه گرد آمده بودند، این بحث بود که آیا کانون باید سیاسی باشد یا غیر سیاسی؟ با اینکه چند نفری نظر داشتند که کانون بهتر است سیاسی باشد ولی مجموعه به این نظر قطعی رسیدند که ماده ۲ اساسنامه با قید غیر سیاسی تصویب شود.

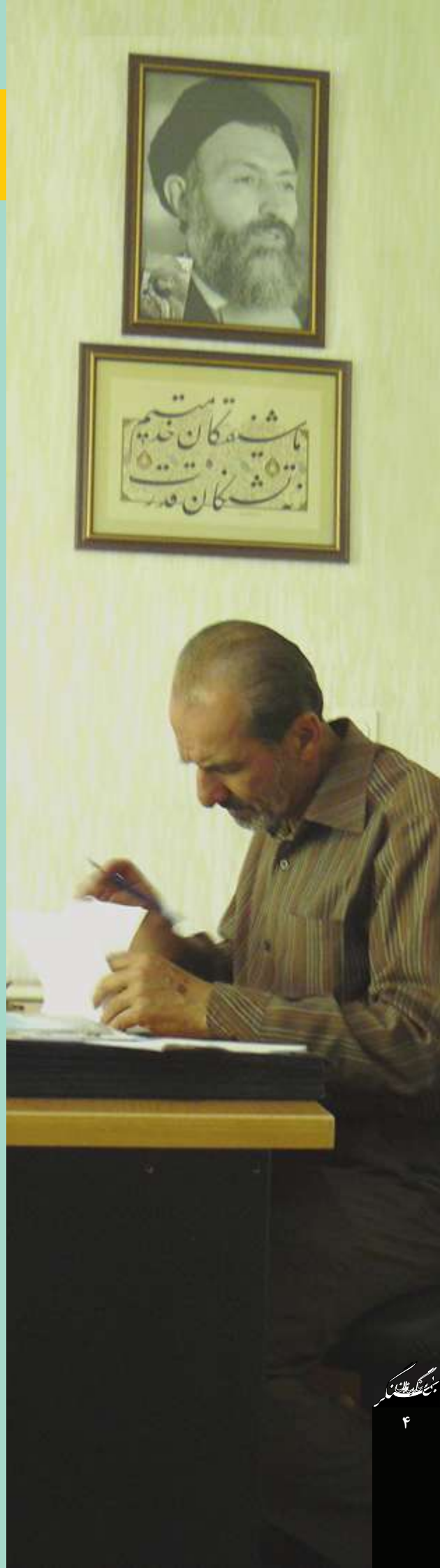
موضع گیری سیاسی کانون بنفع یک حزب یا کاندید بخصوص، باعث می شد :

۱- یک حزب خاص کل حیثیت سنگرسازان بی سنگر را بنفع خود مصادره کند که غیر مجاز و غیر عادلانه بود.

۲- اعضای که در حزب دیگری هستند بر علیه کانون و مرکز هویتی خود موضع بگیرند و اگر بخواهند هویت جهادی خود را حفظ کنند، کانون دیگری در مقابل این کانون ایجاد نمایند.

لذا یا تضییع حق می شود و یا کانون چپ و کانون راست و کانون این کاندیدا و کانون آن کاندیدا باید درست شود. مهمتر اینکه در نتیجه این کشمکش‌های سیاسی، بین این قشر فداکار و وفادار به اسلام و انقلاب، تفرقه ایجاد می شود، که از بزرگترین ضایعات اجتماعی بعد از انقلاب همین تفرقه‌ها است، درحالیکه در مواقع حیاتی برای دفاع از کشور و نظام در مقابل اینهمه هجوم دنیای استکبار علیه آن، بیش از هر چیز به وحدت نیاز داریم.

از آن بدتر این است که دست اندرکاران و تصمیم گیران اصلی کانون، خودشان عضو فعال ستاد یک کاندیدا بشوند. درست است که بنام کانون حرف نمی زنند و کاری نمی کنند ولی چه بخواهند و چه نخواهند حضور آنها به نام کانون تمام می شود و مردم به حساب همه ایثارگران جهاد می گذارند. لذا این کار اگر یک تخلف قانونی نباشد، قطعاً یک تخلف اخلاقی هست. البته این محدودیت فقط برای دست اندرکاران کانون وجود دارد و مکلفند به منظور حفظ وحدت ایثارگران جهاد، رأی خود را در سینه نگه دارند و نقش پدری خود را برای کل سنگر سازان بی سنگر حفظ نمایند و نام و حیثیت ایثارگران جهاد و شهدای آنها را بدون اجازه به نفع کاندید مورد نظر خود مصادره نکنند.



جلسه هفتاد و ششم هیأت مدیره کانون سنگر سازان بی سنگر



چهارشنبه ۱۳۸۸/۲/۲۳ ساعت ۶/۵ صبح جلسه با حضور آقایان دارایی نژاد، خداکرمی، حجتی، حسن بیگی، عظیمی، نواب و آقای فرید بهرام، تشکیل شد.

در جلسه پیشین هیأت مدیره دفترچه‌ای با عنوان «بودجه بندی کانون سنگر سازان بی سنگر سال ۱۳۸۸» به تمام اعضای هیأت مدیره جهت مطالعه دقیق و اظهار نظر تقدیم شد که در این جلسه تمام درآمدهای نقدی و غیر نقدی مندرج در بودجه پیشنهادی عیناً مورد تصویب هیأت مدیره قرار گرفت.

کانون سنگر سازان بی سنگر استان گلستان به دنبال ساخت فیلم

کانون سنگر سازان بی سنگر استان گلستان پیرو اهداف کانون در حفظ یاد و انتقال مرام جهادگران به نسل‌های بعدی در نظر دارد فیلمی تهیه نماید، بدین منظور جهت ساخت فیلم در خصوص نقش مهندسی جنگ جهاد در تاریخ ۸۸/۲/۲۷ در سازمان جهاد کشاورزی استان نشست با حضور تعدادی از فرماندهان و مسئولین گردان ۲۵ امام سجاد(ع) کرد.

از آنجایی که حال و هوای زمان جنگ و فرهنگ حاکم بر آن به گونه‌ای بود که بسیاری از کارهای مهم که انجام می‌گرفت مکتوب نمی‌شد، در نتیجه تشکیل چنین جلساتی کمک بزرگی برای بیان ناگفته‌های جنگ خواهد بود که در قالب تدوین تاریخ شفاهی دفاع مقدس می‌گنجد. به هر حال حاضران نقطه نظرات خود را بیان نمودند و مقرر شد این جلسات ادامه پیدا کند، تا با جمع آوری مطالب بتوانیم نکاتی را که با اقتباس از آن می‌توان سناریوی فیلم را نوشت، آماده گردد و قرار شد نوشته‌ها حاوی مضامینی چون نقش گردان مهندسی ۲۵ امام سجاد(ع) و جهاد گلستان در جنگ و حضور در عملیات‌های مهم، اقدامات شاخص گردان، کارهای برجسته رزمندگان و شهدا و نیروهای شاخص جنگ باشد و مقرر گردید که حول محورهای یاد شده جناب آقای خارکوبی متن پیشنهادی سناریو را جمع بندی نمایند تا به کانون مرکز ارسال شود.

مصوبات اولین جلسه هیأت رئیسه کانون اصفهان در سال ۱۳۸۸

اولین جلسه هیأت رئیسه کانون سنگر سازان بی سنگر استان اصفهان بیست و چهارم فروردین ۸۸ با حضور کلیه اعضای در دفتر امور سهام جهاد نصر اصفهان تشکیل شد در این جلسه رئیس کانون ضمن تبریک سال جدید گزارشی از جلسه اسفند ۸۷ که با حضور روسای کانونهای سراسر کشور در کانون مرکز برگزار شده بود ارائه داد.

مهندس کاویانی در ادامه سخنان خبر از برگزاری گردهمایی نیروهای رزمی مهندسی و فرماندهان گردانها و گردان‌های پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد اصفهان همزمان با افتتاح ساختمان جدید کانون در خیابان اردیبهشت اصفهان در بیست و چهارم اردیبهشت امسال خبر داد. پیگیری ثبت نام اعضای جدید کانون، صدور کارت شناسایی برای کلیه اعضای، برگزاری گردهمایی در شهرستانها و ایجاد شبکه سایت برای کانون از دیگر موضوعات مطرح شده بود که به تصویب حاضرین در جلسه رسید.

دیدار هیأت رئیسه کانون اصفهان با رئیس سازمان

اعضای هیأت رئیسه کانون سنگر سازان بی سنگر اصفهان در دیداری صمیمانه با ریاست سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان در دفتر کار ایشان ملاقات کردند.

در این دیدار که بیست و پنجم فروردین با استقبال مهندس نریمانی ریاست سازمان برگزار گردید، برادر کاویانی، رئیس کانون سنگر سازان بی سنگر استان گزارش کاملی از روند شکل گیری کانون استان، فعالیت ها و اقدامات انجام گرفته در سال گذشته و طرحها و برنامه های آینده ارائه فرمودند.

سازمان ضمن ابراز خرسندی از تشکیل چنین جلساتی راهکارهایی جهت ارتقای سطح خدمت رسانی کانون به ایثارگران جهادی استان ارائه نمود و از استمرار اینگونه جلسات استقبال کرد. مهندس نریمانی همکاری با کانون در جهت حل مشکلات جامعه ایثارگری جهاد کشاورزی استان را از برنامه های آتی سازمان برشمرد.

هیأت رئیسه کانون سنگر سازان بی سنگر استان اصفهان مراتب قدردانی خود را از ایشان ابراز داشتند.

دعوت بسیج دانشگاه علامه طباطبائی از مدیرعامل کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر



این مبانی تعریف نشود، آنگاه سیستم و ابزاری طراحی خواهیم کرد که کارکرد نهایی آن سیستم در تضاد با مبانی اعتقادی ما عمل خواهند کرد و در راستای به سعادت رسیدن انسان نخواهد بود. به عنوان مثال اگر با مبانی الحادی و غیر اسلامی این سیستم طراحی شده، و تکامل پیدا کرده باشد، نباید انتظار داشته باشیم که روحیه تقوا و ایثار را در انسانهای درگیر در سیستم رشد دهد. اگر با روش‌هایی که کارکرد آنها تحریک امیال نفسانی در انسان است، با نیروهای سازمان کار کنیم، نباید بپرسیم چرا روحیه ایثار و فداکاری در مجموعه تحت آن مدیریت تقویت نمی‌شود. ایشان در ادامه به بیان مسائلی در ارتباط با متفاوت بودن آثار و نتایج استفاده از ابزار علوم تجربی و ابزار علوم انسانی در امر مدیریت پرداختند.

بسیج دانشگاه علامه طباطبائی از مدیرعامل کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر دعوت کرد، تا در مورد مبانی مدیریت جهادی صحبت کند. مهندس عظیمی در این جمع دوستانه در ابتدا وارد گفتگو با دانشجویان حاضر شده و از حاضرین جلسه خواست تا یک تعریف از مدیریت ارائه دهند و سپس بحث را به این سمت سوق دادند که مدیریت یک ابزار است برای رسیدن به یک هدف، ترکیبی از دو گروه ابزار تعریف شده در علوم تجربی و ابزار تعریف شده در علوم انسانی است. در بعد انسانی این ابزار یک سری مبانی دارد که این مبانی بر اساس یک سری اصول بنا نهاده شده است. براساس تعریفی که از انسان داریم این اصول و مبانی عوض می‌شوند و لذا سبک و روش هم بر همان اساس تغییراتی می‌کند. اگر با شناخت کامل و دقیق از انسان

اولین جلسه هیات مدیره کانون استان مازندران در سال ۱۳۸۸

نخستین جلسه هیات مدیره کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر استان مازندران پنجم اردیبهشت ماه در دفتر مدیرعامل شرکت نصر این استان تشکیل شد. در این جلسه که با حضور آقایان باقرزاده، صیدانلو، افشار و تقوی تشکیل گردید، برادر تقوی رئیس کانون استان گزارش روند صدور کارت شناسایی، ارائه مجوز و مطالبی در خصوص سایت ابلاغی کانون مرکز و تشریح نحوه صدور کارت و مکان استقرار کانون بیان کرد.

پس از استماع نظرات برادر باقرزاده در خصوص محل استقرار کانون مقرر گردید هیات مدیره کانون در زمینه محل استقرار، جلسه ای با ریاست سازمان داشته، موضوع را با جدیت پیگیری نماید. همچنین مقرر شد نحوه ارتباط با شهرستانهای استان در جلسه با امور ایثارگران جهاد مازندران مشخص شود و با پیگیری رئیس کانون از رابطین آن اداره در شهرستانها جهت ارتباط با ایثارگران استفاده شود.

بالاخره کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر مازندران اتاق گرفت

در پی مذاکرات هیأت مدیره کانون استان مازندران با مهندس تورنگ ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران موافقت شد تا دفتر کاری در ساختمان مرکزی سازمان جهاد کشاورزی مازندران در اختیار کانون مازندران قرار بگیرد. این خبر توسط رئیس کانون استان اعلام گردید.

مدیرعامل کانون مرکز مهمان دانشجویان شهر کردی

رئیس کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر سی و یکم فرودین ماه به دعوت انجمن اسلامی مستقل دانشجویان دانشگاه شهر کرد، در این دانشگاه حضور یافت. این مراسم با هماهنگی برادر مقصودی مسئول امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال بختیاری و عضو کانون سَنَگر سازان بی سَنَگر استان، در دانشکده علوم دانشگاه شهر کرد برگزار گردید. برادر عظیمی طی سخنانی به بیان تاریخچه جهاد سازندگی و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد پرداخت و سپس ویژگی های برخی طرح های مهندسی و نقش جهاد را با پخش عکس های مربوطه بیان کردند. این سخنرانی از سلسله برنامه های مستمر و هدفمند کانون در دانشگاهها با هدف معرفی نقش جهاد و پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد می باشد.

«اطلاعیه مهم»

قابل توجه سهامداران پروژه ناهید

با توجه به افزایش بهای خدمات و هزینه‌های صدور پروانه و افزایش متراژ پروژه فوق، شرکت تعاونی سنگر سازان خراسان اقدام به افزایش سرمایه نموده است، لذا سهامداران محترم تا پایان تیرماه ۱۳۸۸ مهلت دارند تا نسبت به افزایش صد در صدی سهام خود به همان مبلغ اسمی در هر مقطع خریداری نموده‌اند، تقدم نمایند. تلفن‌های تماس شرکت تعاونی سنگر سازان خراسان ۰۵۱۱-۸۴۲۱۳۷۶ و ۰۵۱۱-۸۴۲۵۲۵۶

درخواست کانون مرکز از استانها در آستانه انتخابات

در آستانه برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و با شروع فعالیت های تبلیغاتی کاندیداها، کانون مرکز طی نامه ای به کانون استانها عدم موضع گیری خاص آنها را بنفع گروه های سیاسی خواستار شد. در این نامه که در تاریخ هفدهم اردیبهشت به همه کانونها ارسال گردید. مدیر عامل کانون ضمن اشاره به بندهای ۲ و ۴ اساسنامه کانون مبنی بر غیر سیاسی بودن کانون و ممنوعیت فعالیت سیاسی اعضای آن له یا علیه احزاب و گروه های سیاسی از روسای کانون استانها خواست تا بر رعایت این موارد از طرف اعضاء نظارت نمایند.

همکاری جهادمزندانان با راهیان نور

تعداد ۲۲۵/۰۰۰ مورد. ۲- اعزام کاروان راهیان نور در دو نوبت، ابتدا اعزام خانواده معظم شهدای جهاد در بیستم اسفند ۸۷ و سپس اعزام رزمندگان، جانبازان و همکاران و خانواده هایشان در بیست و نهم اسفند به مناطق عملیاتی دفاع مقدس. لازم به ذکر است که جهاد کشاورزی استان مازندران طی این مدت جمعا ۱۶۰ نفر را به مناطق عملیاتی اعزام کرده است.

کانون سنگر سازان بی سنگر استان مازندران طی گزارشی اقدامات انجام شده توسط امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران در هماهنگی با ستاد راهیان نور در سال ۸۸-۸۷ را به شرح ذیل اعلام نمود:

۱- روایتگری و اعزام ۷ نفر از برادران ایثارگر بعنوان روایتگران جهاد مازندران از پانزدهم اسفند تا پانزدهم فروردین به یادمان شهدای گمنام عملیات رمضان (پاسگاه زید) و توزیع بسته های فرهنگی به

تقدیر کانون مرکز از خدمتگزاران عرصه حفظ یاد و مرام سنگر سازان بی سنگر

کانون سنگر سازان بی سنگر در نامه های جداگانه از روسای سازمانهای جهاد کشاورزی و روسای ادارات ایثارگران استانهای قم، قزوین، خوزستان و نویسندگان کتب "پرنده های بی آشیان" نوشته روح ا... سلحشور- "خوشه های سرخ" نوشته حسن شکیب زاده و کتاب در "قلب سنگر" نوشته عبدالرضا سالمی نژاد تقدیر و تشکر کرد.

سفر مدیر عامل کانون مرکز به اراک

مدیر عامل کانون مرکز جهت ملاقات با روسای سازمان جهاد کشاورزی و هیئت امنای کانون استان مرکزی به اراک سفر کردند.

مهندس عظیمی در این سفر به دعوت دانشجویان مرکز آموزش عالی امیر کبیر در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه در مورد تاریخچه و خدمات مهندسی جنگ جهاد در طول دفاع مقدس مطالب متنوعی را به جمع حاضر ارائه دادند که بسیار مورد توجه جمع قرار گرفت.

در همین سفر مدیر عامل کانون مرکز به اتفاق مسئولین کانون استان مرکزی از ساختمان واگذار شده به این کانون بازدید کرد و با حضور رئیس و اعضاء هیات امنای کانون و رئیس سازمان و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی استان مرکزی، مسائل مربوط به ایثارگران جهاد استان مورد بحث و بررسی قرار گرفت

جلسه مدیر عامل کانون با مسئولین کانون آذ-شرقی در تبریز

پس از برگزاری یادواره شهدا در دانست. جناب آقای عالمی نماینده تبریز جلسه هیأت امنای کانون محترم مقام معظم رهبری خبر سنگر سازان بی سنگر آذربایجان جمع شدن بچه های جنگ و تشکیل شرقی در محل کانون با حضور برادر کانون را به اطلاع معظم له رساندند عظیمی مدیر عامل کانون سنگر و رهبر فرزانه انقلاب هم خوشحال سازان بی سنگر برگزار گردید و شدند که این نیروهای ارزشی دوباره مطالبی نیز بشرح زیر توسط آقای تحت عنوان سنگر سازان بی سنگر مهندس عظیمی ارائه شد. به امید تشکیل پیدا می کنند. پس باید خدا مقدماتی آماده گردیده تا گردان تشکیلات داشت، همانگونه که اگر فجر مهندسی جهاد صاحب محلی امام خمینی (ره) تشکیلات، مجلس ثابت شده و تابلو کانون سنگر سازان و درست نمی کردند هیچ کاری بی سنگر استان آذربایجان شرقی در انجام نمی شد، سپس آقای مهندس این شهر بر پا گردد. عظیمی ادامه دادند که دستان بحث این نیست که بگوییم جنگ بچه های جهادی به اندازه کل رفته ایم و جهاد کرده ایم، می خواهیم مهندسی جنگ پر است و هر کس و به همه بگوییم که این کار (جهاد و در مورد هر عملیاتی یا هر تجهیزاتی جهادی بودن) خوب است و این کار بخواند صحبت کند باید از شما که ارزش دارد، ما باید تلاشی مضاعف با موضوع آشنا هستید بپرسد و با در حفظ آثار و ارزش های جهاد و توجه به اینکه امسال سی امین سال جهادین داشته باشیم. تشکیل جهاد است و رهبر معظم هویت ما متعلق به خودمان نیست، انقلاب اسلامی می خواهند که روی متعلق به اسلام، پیغمبر، امام فرهنگ جهادی بیشتر کار شود، فلذا خمینی (ره) و آن شهدا است، که یک وظیفه و مسئولیت سنگین بر این هویت باید زنده بماند. برادر عظیمی در ادامه اضافه کردند که با همکاری و همدلی و با تبلیغات : جهادی های آذربایجان پیشتاز رسانه ای و به کمک نهادهای مسئول بودند و شهداء و ایثارگران بزرگی و تبلیغات وسیعی روی فرهنگ داشتند و دارند که باید قدر آنان را جهادی می بایست انجام دهیم.

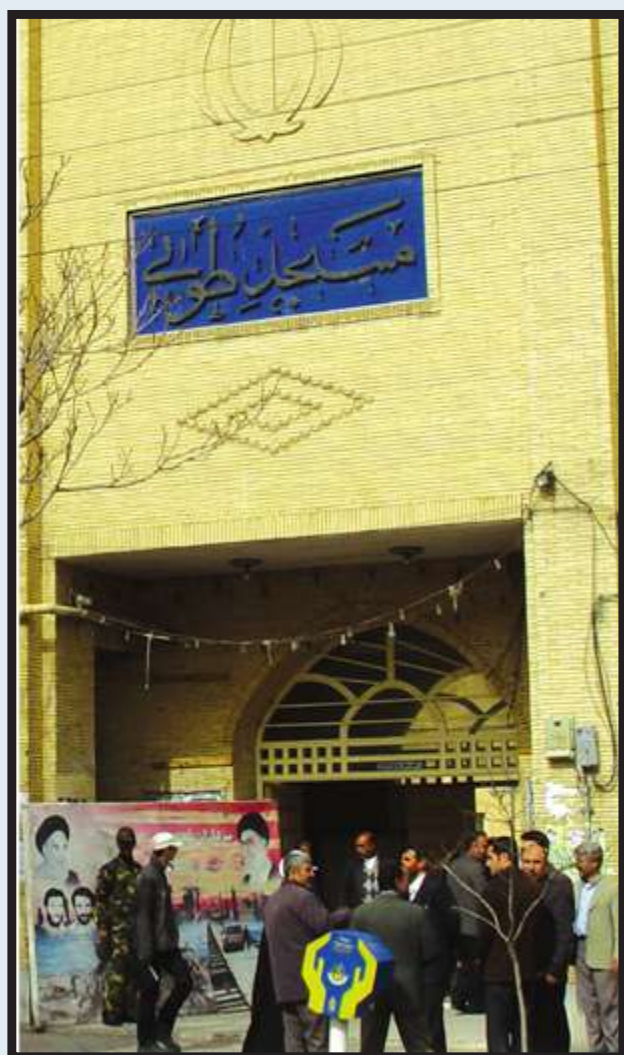
شهر تبریز شهدای سنگر ساز بی سنگر خود را بیاد آورد

سالهاست که در سالروز شهادت سردار جهادگر حاج محمد حسن کسائی فرمانده تیپ ۵۷ فجر آذربایجان و سالروز شهادت مهندس پور شریفی مسئول واحد عملیات مهندسی ستاد مرکزی پ.م.ج. مراسم باشکوهی با عنوان یادواره شهدای جهاد سازندگی استان آذربایجان شرقی برگزار می‌گردد.

هرساله از تمامی خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزاده‌گان شهرستانهای آذربایجان شرقی برای شرکت در این مراسم دعوت بعمل می‌آید.

سردار افشار، سردار علائی و برادر محسن رضایی سخنرانان اصلی مراسم در سه سال گذشته بوده‌اند.

امسال از جناب آقای دکتر دانش جعفری به عنوان سخنران اصلی چهارمین یادواره که در اردیبهشت ۱۳۸۸ برگزار شد، دعوت گردیده بود.



عالی‌قدر و نماینده مجلس تبریز جناب آقای دکتر فرهنگ و مسئولین لشکری سپاه و بسیج و شهردار محترم تبریز حضور داشتند و یاد شهدای خود را گرامی داشتند.

کانون سنگر سازان مرکز از تمامی مسئولین برگزاری این مراسم کمال تشکر را دارد و بخصوص لازم می‌دانیم از رئیس ستاد لشکر عاشورا سردار ایرانزاد و سردار مولوی معاونت محترم عملیات لشکر عاشورا و استوار آذر مدیر کل مرکز حفظ آثار استان، شهردار محترم تبریز و سایر مسئولین محترم شهر قدردانی ویژه بعمل آید.

این مراسم در شهر تبریز و در مسجد طوبی که یکی از کانون‌های فعال فرهنگی اجتماعی نزدیک به دانشگاه می‌باشد با شکوه خاصی برگزار شد، حضور پدران و مادران بزرگوار شهدای جهاد شکوه و عظمت خاصی به مجلس داده بود.

مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز و در ادامه دوتن از مداحان اهل بیت به مدیحه سرایی پرداختند و سپس گروه بین‌المللی تواشیح تارق از سازمان اوقاف به اجرای برنامه پرداختند، در ادامه مهندس عظیمی مدیرعامل کانون در ارتباط با لزوم ترویج روحیه جهادی بخصوص در بین نسل جوان توضیحاتی برای حاضرین ایراد نمودند. و یکی از جهادگران با شور و حال خاصی شعری حماسی را دکلمه کردند و سپس آقای دکتر دانش جعفری عضو هیأت مدیره به ایراد سخن پرداختند. همزمان برنامه برای قسمت خواهران بصورت مستقیم پخش می‌شد. در این مراسم علما و روحانیون



مروری بر مهندسی پل در ایران

از پل خیبر تا
پلهای مدرن
بانگشاهی
پل کابلی تبریز و
پلهای سریع‌النصب
زمان: ۱۳۰۰-۹۷/۳
چهارشنبه ۸۸/۲/۲
مکان: آمفی تئاتر
دانشکده مهندسی
عمران دانشگاه تبریز
ساختمان شماره ۷۵

با حضور اساتید
آقای دکتر کمک پناه
عضو هیئت علمی دانشکده تربیت مدرس تهران
آقای مهندس ناصری
مدیر پروژه پلهای سریع‌النصب
آقای مهندس علیمی
مدیر کاروان سبک سبازان بر سنک



یاد مهندسی جنگ جهاد در دانشگاه تبریز زنده شد

سپس آقای مهندس ناصری در مورد پلهای سریع‌النصب که از زمان دفاع مقدس تا کنون طراحی و اجرا گردید توضیحاتی ارائه دادند که در زیر گزیده‌ای از سخنان ایشان آورده شده است.

بخشی از صحبت‌های آقای مهندس ناصری در دانشگاه تبریز در خصوص موضوع بحث پلهای سریع‌النصب نظامی است که تکنولوژی طراحی و تولید آن بطور کامل در جهاد آذ- شرقی انجام پذیرفته است.

می‌توان به این موضوع اشاره کرد که برای نتیجه‌گیری از یک عملیات در جبهه باید رزمندگان امکان تحرک و جا به جایی داشته باشند چون در شرایط و زمین نامناسب امکان پیروزی عملیات وجود ندارد، مثلاً ماشینهای نظامی به گونه‌ای طراحی شده است که در هر شرایطی (سربالایی، سرپایینی و ...) و زمین‌های ناهموار حرکت کنند، ولی توانایی عبور از گودال با عرض بیشتر از ۳ متر را ندارند و باید برای عبور از موانع، چاره‌اندیشی شود.

برای حل مشکل می‌توان از پلها استفاده نمود که خود به دو دسته یعنی پلهای پشتیبانی و پلهای هجومی تقسیم می‌گردد.

پلهای پشتیبانی: به پلهایی گفته می‌شود که فرصت کافی برای اجرای آنها وجود دارد و عموماً نصب اینگونه پلها بیش از ۳۰ دقیقه طول می‌کشد که خود این پلها نیز به دو دسته یعنی پلهای شناور و غیر شناور تقسیم می‌گردد.

در دانشکده عمران دانشگاه تبریز سمیناری با عنوان " مروری بر مهندسی پل در ایران " تشکیل شد با توجه به اطلاع رسانی خوبی که انجام شده بود، جمع بسیار زیادی از دانشجویان مشتاق به همراه اساتید محترمشان در این جلسه حضور یافتند. استقبال و حضور افراد از حد ظرفیت سالن پیش بینی شده بیشتر بود.

پس از خیر مقدم رئیس دانشکده، برنامه با سخنان مهندس عظیمی شروع شد و ایشان با بیان تاریخچه مختصر مهندسی جنگ جهاد سخن خود را با تشریح پل های اولیه جهاد شروع کرده و پیشرفت تکنیک کار تا طراحی پل خیبر را تشریح نمودند.

ایشان به بیان نقش استراتژیک پل خیبر در حفظ جزایر مجنون و همچنین پلهایی که قبل از پل خیبر، جهاد ساخته بود پرداختند و آن پل‌ها را مبنای طراحی پل خیبر معرفی کردند. در این جلسه فرزند مهندس پور شریفی نیز در ردیف اول سالن آمفی تئاتر حضور داشتند و مهندس عظیمی یاد و خاطره مهندس پور شریفی را زنده کردند و نقش این مهندس توانای جهادی را در طراحی پلهایی که در مهندسی جنگ جهاد احداث شد بیان کردند. در ادامه آقای دکتر کمک پناه، که از طراحان پل خیبر بودند به تشریح مسائل فنی ساخت پل مذکور پرداختند و با نمایش عکس و تصاویر مربوطه، موضوع را برای حضار با زبان علمی تشریح کردند و در ادامه به توضیح در مورد پلهای جدید در دنیا و ایران با نمایش فیلم و عکس پرداختند.



۱- پلهای پشتیبانی شناور : این پلهای عموماً روی آب نصب شده و بصورت شناور مورد استفاده قرار می گیرند

۲- پلهای پشتیبانی غیر شناور : این پلهای عموماً روی دو ساحل رودخانه یا گودال قرار می گیرند که یا پایه وسط دارند و یا پایه وسط ندارند.

پلهای هجومی به پلهایی گفته می شود که در زمان کمتر از ۳۰ دقیقه نصب و آماده عملیات گردد، که این نوع پل نیز به دو نوع شناور و غیر شناور تقسیم می گردد.

پلهای هجومی شناور پلهایی هستند که روی خودروهای نظامی سوار شده و تحرک کافی را در خشکی و آب دارند، که زمان نصب این پلهای برای دهانه حدود ۶۰ متر کمتر از ۳۰ دقیقه است.

پلهای هجومی غیر شناور پلهایی هستند که دو طرف پل روی دو طرف ساحل بوده و مورد استفاده قرار می گیرد.

در زمان جنگ تجهیزات محدود و کم بود و نیروهای نظامی برای عبور از مناطق و موانع می بایست چاره ای می اندیشیدند، که این ایده مسئولین جهاد را وادار کرد که فکری برای حل این مسئله بکنند تا نیروها به راحتی از موانع عبور کنند.

در آن زمان تعدادی پل شناور داشتیم که از خارج تهیه شده بود و عموماً مورد استفاده قرار گرفتند ولی در مورد پلهای مکانیزه به مشکل برخورد کردیم چون پلهای موجود که خارجی و پیچیده بودند امکان استفاده از آنها مقدور نبود، بطوری که حتی برای نصب پلهای در پادگان با مشکل رو به رو بودیم و زمان زیادی جهت نصب لازم داشتیم .

بخاطر همین مسائل، پلی طراحی شد، تا در زمان کمتر از ۱۰ دقیقه قابل نصب باشد.

سیستم مورد تأیید در دنیا پل کشویی بود و ما اولین کشوری بودیم که این پل را روی تانک زرهی نصب کردیم.

نمونه اول پل در ۱۸ ماه ساخته شد و برای اطمینان از عملکرد صحیح سه تست عملیاتی روی پل انجام گرفت.

تست اول تست راهپیمایی حدود ۳۰۰ کیلومتر برای حفظ تعادل و پایداری سیستم بود

تست دوم مرحله نصب و برچیدن پل بود، که حدود ۲۰۰ بار و طی انجام ۳۰۰ کیلومتر پیاده روی انجام گرفت.

تست سوم تست بارگذاری پل با توجه به وزن ۶۰ تنی پل و توسط تانکهای زرهی با عبور بیش از ۲۰۰۰ بار بود.

در پایان این سه مرحله تست، ستاد کل نیروهای مسلح پروژه را تایید کرد و تقدیر نامه ای به سردار جعفری برای طراحی و ساخت پل تقدیم نمود .

در پایان می توان به مشخصات فنی پل که طول ۲۴ متر، عرض ۳/۵ متر و کلاس بار خور ۶۰ تنی و زمان نصب حداکثر ۶ دقیقه ای این پل که از جنس آلیاژ آلومینیوم است اشاره کرد.

این تمام عرفان است



آنچه را که می دانید، زیر پا نگذارید، این تمام عرفان است

اینکه:
پدر آیت الله بهجت در سن ۱۶-۱۷ سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت: « با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »
تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.
چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی

روح ملکوتی اُسوه عارفان ، عالم ربانی ، فقیه صمدانی و مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت آیه الله العظمی محمد تقی بهجت « رحمه الله علیه » به ملکوت اعلی پیوست ، این مصیبت عظمی را به ولی الله الاعظم « عجل الله تعالی فرجه الشریف » و عموم شیعیان جهان تسلیت عرض می کنیم. آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز ۱۶ ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.
درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می نماید، و آن

را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد. بعد از ازدواج نام فرزند خود را به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را «محمد تقی» نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره «محمد تقی» نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیاورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ ه.ق. هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرف شد و در کربلای معلی اقامت گزید. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد

و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهر می خواند. در سال ۱۳۵۲ ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همت گمارده، و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (غروی) استفاده های اخلاقی می نماید. با اینکه ایشان فقهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند. ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال ۱۳۶۳ ه.ق. موافق با ۱۳۲۴ ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطلاع یافتن از وضعیت حوزه قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان



اگر کسی مقید باشد نمازها را اول وقت

بخواند، به جایی که باید
برسد، می رسد

کتاب الصلوة

تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توان گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضایی گرانقدری سالیان دراز از محضر پرفیض ایشان بهره برده اند.

از جهت علمی (هم در فقه و هم در اصول) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقههای شیعه قرار دارند.

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و می فرمایند: هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.

فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:

۱. رساله توضیح المسائل (فارسی و عربی)
۲. مناسک حج
۳. وسیله النجاة
۴. جامع المسائل

(ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:

۱. جلد اول از کتاب صلوة
۲. جلد اول از دوره اصول
۳. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری (این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حج می باشد).

(ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:

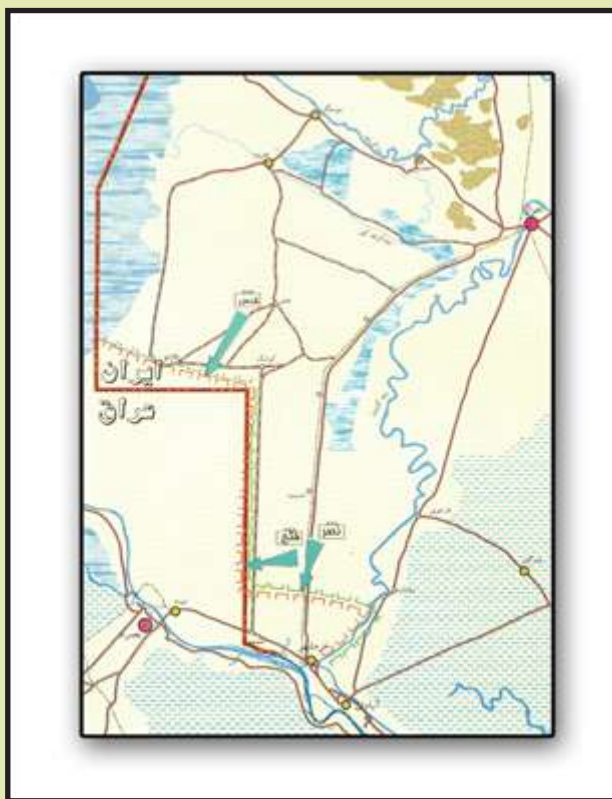
۱. بقیه مجلدات دوره اصول
۲. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۳. دوره طهارت
۴. بقیه مجلدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینه البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینه البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است.

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده اند و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

۱. محمد تقی مصباح یزدی.
۲. عبدالمجید رشید پور
۳. سید مهدی روحانی
۴. علی پهلوانی تهرانی
۵. مختار امینیان
۶. محمدهادی فقهی.
۷. هادی قدس
۸. محمود امجد
۹. محمدایمانی
۱۰. محمد حسن احمدی
۱۱. محمدحسین احمدی
۱۲. فقیه یزدی
۱۳. سید رضا خسروشاهی
۱۴. اسماعیل عابدی
۱۵. حسن خمینی
۱۶. عزیز علیاری
۱۷. سید محمد مؤمنی
۱۸. حسین مفیدی
۱۹. محمد کریم پارسا
۲۰. جواد محمد زاده تهرانی
۲۱. سید صابر مازندرانی
۲۲. شهید نمازی شیرازی
۲۳. مهدی هادوی

فعالیت‌های جهاد سازندگی نجف آباد در عملیات بیت‌المقدس



و ابوالقاسم حجتی از روی پل عبور کرده و در آنسوی رودخانه همراه نیروهای پیاده و زرهی و توپخانه خودکشی به سمت نیروهای دشمن حرکت کردیم که اولین سنگرهای توپهای خودکشی توسط مهندسی جهاد نجف آباد ایجاد گردید و این توپخانه شلیک توپ بسوی دشمن را شروع کردند و در اولین حادثه یک دستگاه توپ آتش گرفته و در حین انجام وظیفه یکی از نیروهای امدادگر جهاد بنام شهید سیدمهدی رضویان که جهت نجات مجروحین این حادثه شتافته بود، ناگهان بر اثر انفجار توپ آن بزرگوار به همراه خدمه توپ به فیض شهادت نائل گردیدند.

نیروهای مهندسی از اینجا به بعد به همراه نیروهای پیاده به طرف دشمن حرکت و با یک تیپ زرهی عراقی درگیر شدند که طبق معمول نیروهای مهندسی جهاد که به سلاح سبک مجهز بودند دستگاه‌های مهندسی را در سنگرهای حادثی قرار داده و همراه نیروهای پیاده لشکر امام حسین (ع) مشغول جنگ با نیروهای دشمن شده و پس از ۲ ساعت درگیری چندین تانک و نفربر دشمن منهدم و بقیه عراقی‌ها با بجا گذاشتن چندین دستگاه تانک و نفربر مجبور به فرار شدند. پس از آن مجدداً حرکت نیروهای پیاده و مهندسی جهاد ادامه یافت تا اینکه ساعت ۲ نیمه شب که حدود یک کیلومتری جاده اهواز خرمشهر زیر آتش سنگین دشمن رسیدیم و نیروهای پیاده بواسطه رسیدن به موانع ایجاد شده توسط دشمن، که کانالی عریض پر از تله‌های انفجاری، سیم‌های خاردار و میدان مین بود، زمین‌گیر شدند و پیشرفت عملیات تقریباً به بن بست رسیده بود. اینجا گردان مهندسی جهاد کار احداث اولین خاکریز را شروع کرد که خاکریز به طول ۲ کیلومتر توسط چند دستگاه لودر و بلدوزر با ارتفاع کم به علت

اهداف عملیات، آزادسازی خرمشهر و رسیدن به خط مرزی مأموریت جهادسازندگی نجف آباد (گردان امام علی (ع) پشتیبانی لشکر امام حسین (ع) و رسیدن به سه راهی حسینی

۱- در مرحله اول پس از رسیدن نیروها به جاده اهواز خرمشهر، احداث خاکریز پدافندی روی خط ریل قطار

۲- به عنوان نیروهای مهندسی، لشکر امام حسین (ع) طبق دستور فرمانده لشکر کارهای مهندسی و مورد نیاز ادوات و نفرات آنها انجام شد.

۳- یک تیم مهندسی جهت یاری مهندسی لشکر نجف اشرف اعزام شد.

۴- احداث اورژانس در شهرک دارخوئین و تخلیه مجروحین از خط مقدم به اورژانس با چند دستگاه آمبولانس.

۵- اعزام تیپ زرهی جهاد (کربلا) به فرماندهی سردار شهید محمدباقر قادری به لشکر ۲۵ کربلا به فرماندهی برادر مرتضی قربانی.

۶- مسئولیت آبرسانی و ارزاق رزمندگان خط مقدم که به عهده جهاد نجف آباد گذاشته شد.

۷- احداث دو مقر تعمیرگاه جهت تعمیرات دستگاه‌های مهندسی و خودروهای سبک و سنگین نیروهای تحت پوشش.

پس از آماده سازی پایه‌های پل شناور توسط نیروهای مهندسی، پل شناور توسط برادران ارتشی در سریعترین زمان آماده شد و پس از حرکت چند تانک زرهی و نفربر از روی آن بصورت آزمایشی، گردان مهندسی نجف آباد متشکل از چندین دستگاه لودر و بلدوزر به سرپرستی برادران محمد موحدخواه و شهیدان حیدر علی امامی

کمبود وقت سریعاً انجام شد و نیروهای پیاده خودی پشت آن مستقر و تا سپیده دم صبح پشت آن سنگر گرفتند، در این هنگام چند نفر از نیروهای جهاد به فرماندهی برادر جهادگر محمد موحدخواه و فرمانده گردان امام حسین (ع) با چند نفر از نیروهای زنده ایشان به سمت نیروهای دشمن حرکت کردند، که این حرکت با حمایت توپخانه و سلاح‌های نیمه سنگین نیروهای خودی ادامه داشت که یک مرتبه متوجه شدیم نیروهای عراقی به قصد تسلیم دسته‌های خود را بالا بردند و در این هنگام آتش نیروهای خودی قطع و همگی آنها تسلیم شدند، سپس نیروهای پیاده به سمت سه راهی حسینی و ادامه جاده اهواز - خرمشهر حرکت کردند.

نیروهای مهندسی گردان امام علی (ع) برای احداث خاکریز روی ریل قطار اهواز - خرمشهر حرکت خود را با دستگاه‌های مهندسی آغاز نمودند و با رسیدن به جاده آسفالت با خاکریزی بسیار بلند بر لب جاده آسفالت خرمشهر مواجه شدند و این خود یک نصرت الهی بود که پس از یک شب عملیات سنگین با چهل کیلومتر پیشروی تمام نیروها پشت خاکریز آماده مقابله با پاتک‌های دشمن شدند. حدود ساعت ۹ صبح بود که سردار جهادگر شهید حاج احمد حجتی مسئول تدارکات منطقه ۲ سپاه به همراه شهیدان عبدالحسین رجایی و احمد معین با یک دستگاه توپوتای فرماندهی به خط نیروهای خودی رسیدند و با خسته نباشید به نیروها، برای انجام مأموریت و شناسایی از خط عبور کردند و متأسفانه از آنها چیزی بدست نیامد و با پیدا شدن فیلمی که عراقی‌ها از صحنه‌های شهادت این عزیزان تهیه کرده بودند مشخص گردید که آنان محاصره و شهید شده‌اند و هنوز هم جنازه این عزیزان پیدا نشده است.

در این منطقه در مرحله اول مقر تاکتیکی جهاد نجف آباد شامل چندین سنگر و یک سنگر مسجد احداث گردید تا از طرفی به خط مقدم نزدیک و از طرفی عملیات لجستیک مهندسی بهتر انجام شود. لازم بذکر است که گروه امداد و نجات با چندین دستگاه آمبولانس مجروحین را از خط مقدم به خطوط دوم حمل و در آنجا با انجام کارهای اورژانسی توسط پرستاران و پزشک‌یاران بوسیله آمبولانس به اورژانس تخصصی در شهرک دارخوین تخلیه می‌نمودند. در اینجا باید از شجاعت وصف ناپذیر این فرشته‌های نجات که بدون ترس و با روحیه‌ای بالا و نداشتن هیچگونه ضعفی مجروحین را از زیر آتش دشمن نجات می‌دادند قدردانی نمود، از جمله این افراد مرحوم جانباز محمدرضا مفتاح و برادر مهدی رجایی را می‌توان نام برد، این عزیزان به علت آتش سنگین دشمن و به جهت بالا بردن روحیه رانندگان آمبولانس برای نجات مجروحین که زیر آتش سنگین دشمن مانده بودند و این فاصله حدود یک کیلومتر بود به دفعات با سرعت در قلب دشمن حرکت و پس از نجات مجروحین و تخلیه در پشت خط مجدداً جهت نجات دیگر مجروحین این عمل را تکرار می‌کردند.

مرحله دوم عملیات دو شب بعد شروع شد در این مرحله با هدف رسیدن به دژ مرزی، حرکت از سه راه حسینی به سوی دژ مرزی به عنوان انجام کارهای مهندسی لشکر امام حسین (ع) آنجا و اولین اقدام جهاد نجف آباد باز کردن معبری ۱۰ متری بوسیله بلدوزر در میدان مین برای عبور نیروهای پیاده بود و هر لحظه همه منتظر هدف قرار گرفتن بلدوزر مین روب به رانندگی برادر عبدالله محمدی بودند که با رشادت و بدون ترس به جلو می‌رفت و پس از آن نیروهای پیاده از معبر عبور و بدون درگیری سخت به

پشت دژ مرزی رسیدند و کار دوم دستگاه‌های مهندسی جهاد نجف آباد احداث سنگر برای نیروهای پیاده در دل دژ و زدن حدود تعداد ۱۰۰ سنگر جهت توپهای ۱۰۶ میلی متری، دو جداره کردن دژ مرزی با احداث یک خاکریز به طول ۱/۵ کیلومتر با فاصله ۱۰ الی ۱۵ متری از دژ جهت حفظ نیروهای خودی از اصابت تیرهای دشمن از پشت سر که آن مناطق هنوز توسط دیگر لشگرها فتح نشده بود ایجاد شد. در این مرحله بود که سردار جهادگر وفداکار حیدرعلی امامی مسئول گروهان مهندسی از ناحیه شکم مجروح و به فیض شهادت رسید. برادران شجاع و فداکار از جمله حاج مهدی علیخانی - مهدی لطفی که در عملیات‌های قبلی چندین بار مجروح شده بودند و دیگر سنگر سازان بی سنگر حماسه‌های بی‌نظیری از خود بجای گذاشته که جز خداوند متعال هیچ کس نمی‌تواند اجر و پاداش آنها را عطا نماید.

مرحله سوم، در این مرحله هدف رزمندگان اسلام حرکت از پاسگاه زید و رسیدن به گمرک خرمشهر و تصرف آن بود.

پس از حرکت گردان مهندسی جهاد همراه نیروهای پیاده نرسیده به پلیس راه خرمشهر متأسفانه دستگاه‌های مهندسی ما در بین کابل‌های سوخته که در انبارهای گمرک سوخته و در اطراف پخش شده بود از کار افتادند که توسط اکیپ نجات پس از زحمات طاقت فرسا دستگاه‌ها را آزاد کرده و ساعت ۲ بعد از نیمه شب خیابان آسفالت طرف قبرستان خرمشهر و پل نو را مسدود و به طرف گمرک خرمشهر حرکت کردیم و در اینجا مأموریت ما مسدود نمودن تمام جاده‌ها بود تا دشمن نتواند به مواضع نیروهای اسلام دسترسی پیدا کند که این کار با موفقیت انجام و تا ساعت ۱۰ صبح صبر نمودیم، درهمین حین توسط بلندگوها پی در پی از نیروهای عراقی خواسته می‌شد که تسلیم رزمندگان اسلام شوند که ناگهان عراقی‌ها فوج فوج تسلیم می‌شدند و ما وارد خرمشهر و پس از آن وارد مسجد خرمشهر و سپس برای انجام مأموریت که احداث خاکریز بر ساحل اروند بود رفتیم و خوشبختانه مشاهده کردیم خاکریزها توسط عراقی‌ها احداث و در آن سنگرهای زیادی هم ساخته شده بود. و این امر کمک بزرگی جهت حفظ جان نیروهای اسلام و پیشرفت عملیات گردید. در این عملیات گردان مهندسی رزمی جهاد با اکیپ‌های امدادگر و آمبولانس، اکیپ تعمیرات دستگاه‌های مهندسی و خودروهای سبک و سنگین و آپاراتی، مخابرات، اکیپ نجات، اکیپ تدارکات جهت آبرسانی، ارزاق و قطعات مختلف مورد نیاز، اکیپ نیروهای جایگزین و گردان مهندسی را همراهی می‌نمودند.

در عملیات پیروزمندانه بیت المقدس تعداد ۲۴ نفر از بهترین نیروهای ما شامل سیدمهدی رضویان - حسن زمانی - جعفر صفری - محمد منتظری - عبدالحمید امیرکاوه - حیدرعلی امامی (فرمانده گروهان مهندسی) - مرتضی فتاح‌الجنان - قنبرعلی کبیرزاده - اسماعیل پورحسن - عباسعلی فاضل

محمدرضا گلی - محمدعلی غضنفری - محمود شفیعی - ابوالقاسم منتظری (فرمانده گروهان مهندسی) - اکبر عاطفی (معاونت فرماندهی زرهی) - احمد حاج‌امینی - عبدالمحمود محمدی - محمدعلی امامی - احمد حجتی (فرمانده عملیات) - احمد معین - عبدالحسین رجایی - جواد مصطفایی

محمدباقر قادری (فرمانده تیپ زرهی) - حسینعلی پورپونه‌ای به فیض شهادت نائل گردیدند.

یادشان گرامی و نامشان جاوید باد.



بیستمین دیدار کانون سنگر سازان بی سنگر:

جمعی از اعضای کانون سنگر سازان بی سنگر به همراه خانواده‌هایشان در ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۸ گرد هم آمدند تا دیدارهای خود را در بیستمین مراسم دیدار کانون تازه کنند.

دقایق ابتدایی این برنامه به پخش کلیپی اختصاص یافت که خاطرات دیدارهای سال گذشته و برنامه‌های تفریحی کانون را زنده می‌کرد.

حجت الاسلام غلامرضا زاده به شرح نهج البلاغه پرداختند و با اشاره به نقش انسان ایده آل در هر مکتب و اثر گذاری وی در جامعه، انسان کامل را کسی دانست که قدرت اثر گذاری و سیستم سازی داشته باشد و با اشاره به سیستم سازی اهل بیت به تفسیر بیانات حضرت امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه پرداخت.

کلیپ جامع و جذاب فعالیت‌های تحقیقاتی و نمونه جهاد در دوران دفاع مقدس برنامه سوم دیدار بود که مورد توجه قرار گرفت، که گفته برخی از خانواده‌ها از ناگفته‌هایی بود که حتی خانواده‌های

ایثارگران جهادی هم از آن بی خبر بودند. دکتر ابن الدین با شروع سال جدید بحث الگوهای تربیتی در خانواده‌ها را مطرح نمود و در این جلسه به شرح الگوهای تربیتی در یک خانواده سخت گیر و مستبد پرداخت.

جلسات آینده شرح خانواده‌های سهل گیر، بی نظم و متعادل موضوع صحبت‌های ایشان خواهد بود. طولانی شدن دید و بازدیدها به علت شروع سال نو در ابتدای برنامه منجر به کوتاه شدن برنامه خاطره گویی شد و برادر گلی تنها خاطره گوی این برنامه بود که با لهجه شیرین خاطره شیرین تری را از دوران جهاد مقدس خود برای حاضرین نقل نمود.

مسابقه این ماه که سوالات آن از مطالب خبرنامه برگزیده شده بود ۲۰ برنده داشت که به پنج نفر آنها به قید قرعه جوایزی اهدا شد. «خانم هاریحانه گلی، سمانه نورمحمدی، زهرا شکری و آقایان ناصر ترابی و حمید موحّدخواه» برگزیدگان این مسابقه بودند.

اولین دیدار امسال بیستمین دیدار بود

دیدارهایمان را آنجا برگزار می‌کردیم، فضای بزرگ و خوبی است و نور و نمازخانه مرتبی دارد که به لطف خدا روز به روز به محتوای برنامه‌هایی که داشتیم افزوده شد.

برنامه‌هایی مانند خاطره گویی، ترجمه و توضیح نهج البلاغه از نخستین برنامه‌ها بود، که بتدریج مسیر و جهت خود را پیدا کرده و غنای بیشتری به خود گرفته است. مطالبی از نهج البلاغه مطرح می‌شود که نیاز جمع می‌باشد و حاج آقای غلامرضا زاده زحمت این کار را می‌کشند.

صندلی‌هایی پلاستیکی تهیه شد و دور تا دور جمعیت چراغ زده شد، آنقدر ضعیف بودیم که فرمهایمان را در محل تکثیر می‌کردیم، غذایمان عدسی بود و باد و گرد و خاک همه برنامه‌هایمان را به هم می‌ریخت ولی فوق العاده جذاب و صمیمانه و کمتر گلایه‌ای از اینکه امکانات کم است، دیده می‌شد.

همه خوشحال بودند که دور هم جمع‌اند و خانواده‌هایشان همدیگر را می‌بینند. آرام آرام به سمت ولنجک رفتیم و

روزهای اولی که دیدار را تشکیل دادیم، هیچ‌کس تصور این را نداشت که تا بیست دیدار دیگر این برنامه ادامه داشته باشد ولی مسئولین کانون از همه چیز کم کردند تا برنامه دیدار زنده بماند و دیدار فروردین سال ۸۸ بیستمین دیداری بود که در کانون رقم خورد، در این مدت برنامه دیدار فراز و فرودهای زیادی داشت ولی اصل آن هیچ وقت به لطف خدا حذف نشد.

روزهای اولی که دیدار شروع شد در یک مکان غیر مسقف و با مشقت زیاد



مهندس گلی :

خاطره عملیات محرم مرا یاد تنگه ابوغریب و و سیلی که بسیاری از بسیجی‌ها را با خود برد و غرق کرد می‌اندازد. ما از رودخانه عبور کردیم و آن طرف رود خاگریز زدیم . شبی به ما گفتند باید خاگریزی آن طرف تپه‌های شرهانی احداث شود ، با بچه‌های گردان علی بن ابیطالب (ع) بودیم ، تیم مهندسی کار خود را ساعت ۱۱ شب طبق فرمان فرمانده لشکر، شهید زین الدین شروع کرد، تا صبح کار کردیم ، هوا که روشن شد خاگریز خوب و بلندی آماده بود. سر و صدای دستگاه‌های بچه‌های جهاد جرأت پیشروی را از دشمن می‌گرفت ، کار که تمام شد چون منطقه "تپه ماهور" بود دستگاه‌ها را به پائین منتقل کردیم و طبق معمول رفتیم برای شناسایی لودر و بلدوزرهای غنیمتی دشمن ، ناگهان از پشت یک لودر یک نفر عراقی جلو آمد و تسلیم شد. دستگاه هم ترکش خورده بود و قابل استفاده نبود . بچه‌ها هم در حال استقرار بودند که پاتک عراقی‌ها شروع شد، من این اسیر عراقی را با موتور پیش " مشهدی علی " پیرمرد ترکی که کیسه نان خشک و ماست همیشه همراهش بود بردم. اسیر را تحویلش دادم و رفتم به کمک بچه‌ها ! پاتک که تمام شد، برگشتم. دیدم مشهدی علی مثل همیشه تیغه بلدوزر را بالا داده و با اسیر عراقی زیر آن نشسته‌اند و مشغول خوردن صبحانه‌اند و صفا کردن!

با عجله پشت موتور نشستم و گفتم اسیر عراقی ترک من بنشیند و راه افتادیم ، در مسیر ۸-۷ کیلومتری تا مقر تاکتیکی حرکت کردم و دور گردن و پیشانی‌ام مثل همیشه چفیه‌ای انداخته بودم و در مسیر، راه را هم درست نمی‌دانستم و بسیار خلوت بود. ۲۰۰ متری بچه‌های مقر که رسیدیم به ذهنم رسید با آنها شوخی کنم ، تا رسیدم گفتم اینکه ترک موتور نشسته، برادرم است که ۲ سال است او را گم کرده بودم، زبانش هم بند آمده. همه ریختند روی سر و کولش، یک‌ربع ماچ و بوسه می‌کردند. علی درودگر راننده بلدوزر از بچه‌های ذوب آهن بود که یک‌دفعه در آن شلوغی فریاد زد این اسیر کماندو است.

تا این را گفت جوّ برگشت ، همه دنبال یک چیزی بودند که اسیر را بکشند. اسیر را انداختم پشت لندکروز و گفتم ببریدش، نجاتش دادم.

این اسیر مانده بود بین آن استقبال گرم و این خداحافظی دردناک، و شاید با خود می‌گفت این دیگر کیست که من کماندو را پشت ترک خود سوار کرده با چفیه به گردن و با خونسردی در این مسیر آمده است.

آن موقع توجه نداشتم ولی الان که فکر می‌کنم وحشت می‌کنم چون براحتی می‌توانست در طول راه از پشت سر مرا با چفیه‌ام خفه کند.

برنامه روانشناسی و مشاوره خانواده هم که غوغا کرده است و مشتری‌های آن زیادند، کمتر کسی است که با برنامه مشاور خانواده ارتباط برقرار نکند. مسئولیت مشاوره این بخش را استاد گرامی آقای دکتر ابن‌الدین به عهده دارد.

دیدار طی این مدت بارها به واحد جوانان سپرده شد که تمام امور آن را واحد جوانان با کیفیتی قابل قبول انجام می‌دادند و به سرانجام می‌رساندند.

چند بار هم به مکانها و پارکهای اطراف تهران رفتم و آب و هوایی عوض کردیم، خوب بود ولی دوری راه مشکل ساز شده بود.

برنامه دیدار کانون، حداقل جمعی ۵۰ نفره و حداکثر جمعی حدود ۵۵۰ نفر داشته است. دیدار ۵۵۰ نفره در ماه رمضان سال ۱۳۸۷ بود که فوق العاده جذاب و جالب برگزار شد. ما از تمامی دیدارها فیلم و عکس داریم که همگی بر روی DVD تهیه و آماده توزیع می‌باشد.

اما موضوع مهمی که می‌خواهم به عنوان یک ناظر خارجی به آن اشاره کنم این است که این همه زحمت که همواره در جهت برپایی یک دیدار ۶ ساعته کشیده می‌شود با چه هدفی انجام می‌گیرد و چرا مسئولین کانون با اینکه استقبال کمی در برگزاری

بعضی از دیدارها داشته‌اند و این کار از آنها وقت و انرژی با هزینه خیلی زیادی می‌گیرد و همواره با کم و کاستی‌هایی همراه بوده، بازهم به برگزاری این دیدارها که از دید بعضی کوتاه بینان، بی‌فایده است اهتمام و جدیت دارند؟!

دلیل آن فقط برقراری ارتباط بین نسل قبل و نسل جدید است و این موضوع کلید حیات ایدئولوژی و تفکری است که کانون در پی ترویج آن می‌باشد. (تربیت انسانهایی با تفکر و روحیه جهادی)



برداشت خانواده

وضعیت تربیتی بچه‌ها:

- امنیت روانی ندارند که نشانه‌هایی مثل پریدن از خواب، سریع غذا خوردن و زیاد کردن صدای تلویزیون دارد.

- متزلزل‌اند- در یک جریان تند عقیدتی و سیاسی ابراز وجود نمی‌کنند و نظر جمع را می‌پذیرند.

- احترام نمی‌گذارند و محبت نمی‌کنند، چون هرگز مورد احترام و محبت نبوده‌اند.

- تسلیم و مطیعند، حرف گوش می‌کنند ولی برش‌دار نیستند، به تعبیر من بی‌خاصیتند.

- هیجان و اضطراب دارند، در تعریف کردنی هیجان زده‌اند و حوصله گوش دادن را هم ندارند. بدترین جمله برای آنها «بگذار نصیحتات کنم» است، به همسالان خود صدمه می‌زنند، چون مقایسه شده‌اند.

- به بزرگترها بدبینند، جملاتی نظیر: ما را نمی‌فهمند، مال نسل قبل‌اند، درک نمی‌کنند و

- فرزندان این خانواده برای فرار از تحقیر و ناکامی و عدم موقعیت ابراز وجود، چون نمی‌توانند به چشمهای دیگران نگاه کند به تلویزیون یا بازی‌های رایانه‌ای رو می‌آورند.

- این بازی‌ها حتی اگر مجوز ارشاد داشته باشند، اما الگوهای بسیار بدی هستند، که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

- معرفی شخصیت‌هایی مثل یک زن با ویژگی‌های ظاهری خاص و جنگجویی و تیراندازی و نحوه پوشش‌اش، بعدها باعث می‌شود جوان در انتخاب همسر دچار مشکل شود و ایرادگیری کند. یا دیدن صحنه‌های خشن و گاه مستهجن، منجر به ایجاد باورهای غلط و عادی شدن خشونت برای وی می‌شود. در جریان این بازی‌ها چون شخص دیگری فکر و برنامه ریزی کرده فکر هم نمی‌کند.

- بهترین راه برای پر کردن اوقات فراغت جوانان کار کردن است. همانطور که سابقا ما هر کدام در کودکی یا نوجوانی جایی کار می‌کردیم،

اینجاست که جوانان یا نوجوان اجتماعی شدن و جدی بودن در مناسبات اجتماعی را فرا می‌گیرد.

سبک خانواده آسان گیر موضوع صحبت جلسه آینده دیدار خواهد بود.

ادامه دارد

در این بخش از خبرنامه/از این پس گزیده‌ای از صحبت‌های کارشناس روانشناسی خانواده در برنامه دیدار جهت استفاده خوانندگان خبرنامه آورده می‌شود.

الگوهای تربیتی در هر خانواده با محوریت پدر و مادر است که شکل می‌گیرد و اگر مناسبات آنها بخوبی تعریف شده باشد جای هر برنامه آموزشی و تربیتی را پر می‌کند. با توجه به الگوهای تربیتی خانواده‌ها هم روانشناسان و هم علمای دینی یک الگوی چهارگانه ارائه کرده‌اند که علی‌رغم اسامی متفاوت همسان هستند:

- ۱- خانه‌های مستبد و سخت گیر که اقتدار یک نفر در آن پر رنگ است.
 - ۲- خانه‌های بی بند و بار و سهل گیر.
 - ۳- خانه‌های بی نظم، که هیچ قانونی بر آن حاکم نیست.
 - ۴- خانواده متعادل و به تعبیر من خانواده اسلامی.
- خانواده مستبد: در این خانواده یک قلدر هست که حرف اول را می‌زند (پدر، مادر، خواهر، برادر یا)، حق و تکلیف خوب تعریف نشده، یکی حق دارد و بقیه تکلیف، دیگران حق رأی و نظر ندارند، وظایف را یک نفر تعیین می‌کند که شاید ظاهراً این کار درست باشد و بنحوی نظر داده شود، ولی باید این نظرات طوری تعدیل شود که همه احساس کنند دخیل هستند.
- آدم مقتدر در همه کارها دخالت می‌کند و همه اطاعت می‌کنند، هیچ کس مستقل نیست، فقط یک نفر می‌داند کی بخوابد و کی بیدار شود و دیگران خود را با او هماهنگ می‌کنند، شاید پدر مقتدر ظاهراً فرزندان مطیع داشته باشد ولی در واقع در این خانه ترس حاکم است و صداقت و راستگویی وجود ندارد. در نماز همه به پدر (فرد مقتدر) اقتدا می‌کنند ولی با ترس. دخترش چادرش را بیرون خانه در می‌آورد و هنگام ورود بسر می‌کند و پسر به بهانه درس خواندن جلوی پدر طرفدار این کاندید و در غیبت او از دیگری حمایت می‌کنند. این فرزند اگر بزرگ هم شود و مدیر شود همین رفتار مقتدرانه و مستبدانه را با دیگران می‌کند.
- به نیازهای واقعی و مشروع توجه نمی‌شود چون مورد پسند اعضای خانواده نیست، محبت واقعی وجود ندارد و محبت صوری است.

گزارشی از آلكس افنا، خبرنگار آسوشيتد پرس

مقاومت مردمی خرمشهر

« مدافعان ایرانی چنان مقاومت سرسختانه‌ای در اکتبر ۱۹۸۰ از خودشان نشان دادند که پس از سقوط شهر، ایران نام خرمشهر را به خونین شهر تغییر داد. بلافاصله پس از سقوط خرمشهر، سر فرماندهی عراق برنامه‌ای برای بازدید خبرنگاران غربی ترتیب داد. خبرنگاران شدت و حدت نبردی را که صورت گرفته بود مشاهده کردند. در شهر یکصد و پنجاه هزار نفری، به سختی می‌شد خانه‌ای یافت که آثار خمپاره و گلوله بر دیوارهای آن نباشد، و این شواهد، حاکی از آن بود که مدافعان ایرانی چگونه خانه به خانه، از این شهر دفاع کرده‌اند. یک فرمانده ارشد عراقی در آن زمان اذعان کرد که ایرانی‌ها که اغلب آنها جوانان و پاسدار و فاقد تجربه هستند، تا پای جان برای دفاع از خرمشهر مقاومت و دفاع کردند. »

منبع: لایه های پنهان جنگ، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس



سنگر سازان بی سنگر

چه بچه‌های با حالی و چه روزهای با صفایی و چه شب‌های آسمونی و قشنگی بود. سرزمینی در به قدمی بهشت، نه روستایی بودند و نه شهری، از سرزمین ملائک بودند و چند روزی مهمون این کره خاکی، اومده بودند تا تلنگری به دل‌های زنگ زده و غافل ما بزنند.

اونچه در دفاع مقدس گذشت، قصه‌ی خون و خونریزی، تعصبات خشک و تو خالی و اخمای تند و خشن نبود. راز قصه‌ی اونا، رنگ قصه‌ی گل بود و پروانه، تبسم و لبخند مردم مرام رویشان و نماز و اشک، مسلک روح آسمونیشون بود.

یکی از مقرهاشون نزدیک خرمشهر بود. "مقر شهید حجتی". بیشترشون چهارده، پونزده ساله بودند و راننده لودر و بلدوزر، بهشون می‌گفتند: سنگر سازان بی سنگر، معروف بودند به "چغله‌های جهاد". سردار حاج مهدی علی خانی بهشون می‌گفت کرفه چی‌ها! یعنی کوچولو‌ها! خیلی‌هاشون از روستای ما- حاجی آباد نجف آباد- بودند.

بیشتر خاکی‌های شلمچه تا جاده‌های کوه‌های حلبچه، اینارو یادشونه، انگار جبهه، خونه‌ی خاله شون بود. نه از ترکش می‌ترسیدند، نه از تیر؛ اما از خدا خیلی حساب می‌بردند. خدا رحمتشون کنه. بیشترشون شهید شدند؛ مثل "محمد علی قیصری" فرمانده هفده ساله مون، مثل "صالح و نصرالله صالحی"، "مهدی شاهسون"، "مصطفی طاهری"، "اسماعیل رحیمی"، "محمد توکلی" و "اکبر عرب پور"، اجر نماز شبشون و حماسشون با خدا و لبخند بازی‌های ساده و طنزشون، مال شما. ایشالله هیچ وقت یادشون از دلمون نره.



هنگام از آلبوم شخصی برادر علی آبادیان

جناب آقای مهندس رضمانعلی دهقان

با نهایت تأثر و تأسف، در گذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می‌نماییم.

جناب آقای مهندس ابراهیم سفیدیان

با نهایت تأثر و تأسف، در گذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت می‌نماییم.